



آیا طوفان نوح واقعتاً تاریخی دارد؟

ما همه داستان طوفان نوح را شنیده ایم که بنا بر نوشته تورات، طی آن تمام موجودات جز انسانها و حیواناتیکه به کشتی نوح پناهنده شده بودند، بهلاکت رسیدند. بنا به روایت تورات مدت ۴۰ شبانه روز باران بلاانقطاع بارید و ارتفاع آب پانزده ذراع از قلعه بلندترین کوهها تجاوز کرد و در نتیجه آن تمام آثار حیات از بین رفت و کشتی نوح مدت یکسال و یازده روز در آب سرگردان بود تا اینکه بالاخره در روی کوه (آارات) بزمین نشست. در اینکه قسمت‌هایی از این داستان با واقعیت تطبیق نمیکند، جای تردد نیست، زیرا بفرض اینکه واقعاً چهل شبانه روز باران باریده باشد، جو زمین توانائی تولید آن مقدار باران را ندارد که برای زیر آب فرو بردن یک کشور لازم است. چه برسد باینکه باندازه ای باران تولید کند که سراسر جهان را تا مرتفع‌ترین قله کوهها زیر آب فروبرد. یک زمین‌شناس انگلیسی موسوم به «لیتل»^۱ باین اشکال اشاره کرده است و دانشمند دیگری بنام «سوئس»^۲ در سال ۱۸۸۳ اظهار عقیده کرده است که داستان طوفان نوح که در تورات ذکر شده ممکن است فقط به یک سرزمین مسطحی مربوط بوده است نه سراسر جهان. امروز به ثبوت رسیده است که بروز یک چنان طوفان عظیم که سراسر جهان تا بلندترین کوهها را زیر آب فرو برده باشد، امکان پذیر نبوده است. معذالک هنوز بعضی از متعصبان به صحت این داستان ایمان دارند. مثلاً در سال ۱۸۹۹ در یک لغت‌نامه مذهبی نوشته شده است: «ما باید باین حقیقت که طوفان نوح عالمگیر بوده است اعتقاد داشته باشیم زیرا در کتاب مقدس چنین گفته شده است.»

* آقای دکتر هادی خراسانی از ترجمانان چیره دست معاصر.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که منشاء بعضی از وقایعی که در تورات نقل گردیده، روایات کهنی بوده است که در بین ملل و اقوام مختلف شیوع داشته است و داستان طوفان نوح نیز از این گونه روایات است.

در سال ۱۸۹۱ محقق بنام «اندری»^۴ روایاتی را که در بین ملل مختلف راجع به وقوع طوفان عظیمی نظیر طوفان نوح شایع بوده بر شمرده و باین نتیجه رسیده که تا آن زمان تعداد اینگونه روایات به ۸۵ فقره بالغ آمده است. از آن تاریخ تا کنون روایات مشابه دیگری کشف شده است بطوریکه میتوان گفت در حال حاضر تعداد روایات مربوط به وقوع طوفان نوح از حد فقره تجاوز میکند. البته بعضی از این روایات پس از اشاعه مذهب مسیح در نقاط مختلف جهان، رواج پیدا کرده است ولی بسیاری از آنها جزء روایات قدیمی محلی است و با اشاعه مذهب عیسوی ارتباط ندارد.

طبق تحقیقاتیکه بعمل آمده غیر از روایاتیکه در نتیجه شیوع عیسویت در بین مردم درباره وقوع طوفان نوح رواج پیدا کرده است، ۶۸ روایت محلی دیگر درباره همین موضوع در بین ملل مختلف جهان شایع است که از این تعداد ۱۳ روایت در قاره آسیا، ۴ در اروپا ۵ در افریقا، ۹ در استرالیا و اقیانوسیه و ۳۷ در آمریکا رواج دارد. مدت طوفان بر حسب روایات، متفاوت است و از ۵ روز تا ۵۲ سال (روایت «از تکها»)^۵ ذکر شده است. همچنین در روایات مختلف، علل متفاوتی را از قبیل نزول باران، ریزش برف، ذوب شدن یخها، زمین لرزه و یا تلاطم دریا برای بروز طوفان نوشته اند.

بعقیده چینیها یکی از ارواح خبیثه بنام «کونگ کونگ»^۶ در لحظه ایکه دچار خشم گردیده بوده است، سر خود را بیکى از ستونهای سقف آسمان کوبید و در نتیجه سقف آسمان بزمین فروریخته و موجب بروز طوفان و سیل گردید.

بعضی از محققان کوشیده اند که با دلایل علمی وقوع طوفان عظیمی را که بر سراسر جهان گسترش یافته بوده است به ثبوت برسانند. مثلاً در سال ۱۸۹۴ یک نفر روسی آلمانی- الاصل موسوم به «شوارز»^۷ کتاب قطوری منتشر ساخت که در آن کوشیده بود به اثبات برساند که در دورانهای گذشته در وسط آسیای مرکزی یک دریای بزرگ داخلی بطول ۴۰۰۰ کیلومتر و بعرض ۱۴۰۰ کیلومتر و به عمق ۲۰۰۰ متر وجود داشته است و این دریا که وی آنرا دریای «مغولی» نامیده بود، در سال ۲۲۹۷ یا ۲۳۵۷ قبل از میلاد بعلت زمین لرزه یا علل دیگری ناهگهان از آب خالی شده بوده است و خالی شدن آبهای آن موجب، بروز طوفان هم در شرق و هم در غرب گردیده است. این فرضیه یک روایت چینی را که بموجب آن در دوران امپراطوری «یو»^۸ رودخانه «هوانگ هو»^۹ دستخوش طغیان

عظیمی گردیده بوده است، تأیید میکند ولی نمی‌تواند روایات مربوط به وقوع طوفانی را که سراسر جهان را فراگرفته بوده است، توجیه نماید، همچنین در سال ۱۸۹۴ دانشمند دیگری موسوم به «استنت زل»^{۱۰} فرضیه‌ای را مطرح ساخت که بموجب آن در سال ۳۳۳۲ قبل از میلاد، در نتیجه بروز اختلال در تعادل زمین، آبهای اقیانوسهای نیم کره شمالی بسوی نیم کره جنوبی سرازیر گردیده بود. بعقیده نامبرده این پدیده که ارتباط با تعادل شب و روز دارد و در هر ده هزار و پانصد سال تکرار میشود، بار دیگر در سال ۷۱۳۲ میلادی، در جهت معکوس بوقوع خواهد پیوست. این فرضیه تا حدودی با عقیده افلاطون راجع به دورانهای عمر زمین و همچنین با معتقدات «ازتک»های قدیمی درباره دورانهای چهارگانه زمین تطابق میکند. افلاطون در یکی از کتابهای خود بعقیده کاهنان مصری مبنی بر اینکه طوفانهای آسمانی مانند بیماریهای همه گیر هر چند وقت یکبار دامنگیر بشر میشود، اشاره میکند. ولی تمام این فرضیات هر قدر هم جذاب بنظر برسد از حدود داستانهای سرگرم کننده تجاوز نمی‌کند. دانش زمین‌شناسی هیچگونه اثری از یک طوفان عالمگیر که در اوایل دورانهای تاریخی و یا اواخر دوران ماقبل تاریخ رخ داده باشد، بدست نمی‌دهد بنابراین میتوان نتیجه گرفت از موقعیکه افراد بشر روی زمین زندگی میکنند، یک چنین حادثه‌ای عالمگیر بوقوع نپیوسته است.

بعضی از محققان کشف ماهی‌ها و جانوران مهره‌دار متحجر شده، در مناطق کوهستانی را بوقوع یک طوفان جهانی دلیل قاطعی دانسته‌اند. «اوزب»^{۱۱} یکی از پیشوایان مسیحی مدعی شده است که کشف آثار متحجر شده ماهی در کوههای لبنان دلیل قانع کننده‌ای بر صحت روایت تورات درباره طوفان نوح بشمار میرود.

در سال ۱۹۰۶ دانشمندی بنام «ریم»^{۱۲} یکی از جالب‌ترین و جسورانه‌ترین فرضیه‌ها را درباره طوفان نوح مطرح ساخت. بعقیده او این طوفان یک پدیده استثنائی بشمار میرود و در یک دوران زمین‌شناسی نسبتاً جدید و در هر صورت در دورانی که قسمت اعظم کره خاکی ما مسکون بوده است بوقوع پیوسته و سرتاسر جهان را فراگرفته است. بعقیده «ریم» این طوفان بطور ناگهان و بصورت یک فاجعه عظیم رخ داد. وی برای اثبات فرضیه خود به پدیدار شدن قوس و قزح در موقع فرونشستن طوفان استناد میجوید و خاطر نشان میسازد که طبق ۵ روایت جداگانه مختلف، این قوس و قزحها در پایان طوفان دیده شده است. مثلاً در تورات و در روایات بابلی و هندی و لیتوانی بظهور رنگین کمان اشاره شده است. «ریم» معتقد است که قبل از بروز طوفان نوح، زمین مانند ستاره زهره در زمان حاضر، بوسیله قشری ضخیم از ابر احاطه شده بوده است و در آن زمان درجه حرارت جو زمین و درجه

حرارت خود زمین و رطوبت آن با هم متعادل بوده است بنحویکه کوره زمین مانند يك گلخانه هوای مرطوب و گرم و یکنواخت بدون تغییرات فصلی، داشته است.

در آن زمان مقدار آبهای زمینی که تبخیر میشد بیش از مقدار آبی بوده است که بصورت باران بزمین باز میگشته است ولی بتدریج در نتیجه سرد شدن کوره زمین، ابرها نیکه آن را احاطه کرده بود فشرده تر شد و بصورت بارانهای طولانی و سیل آسا بزمین فروریخت و موجب بروز طوفان گردید. پس از پایان این طوفان بود که برای نخستین بار چشم بشر به خورشید، ماه و رنگین کمان افتاد بدین ترتیب محیط زندگی در زمین کاملاً دگرگون شد. بعضی از روایات این فرضیه شگفت انگیز «ریم» را تأیید میکنند. مثلاً طبق روایاتیکه در یونان قدیم شایع بوده است، ساکنان نخستین «هلاده»^{۱۳} قبل از «پیدایش ماه» در آن سرزمین زندگی میکردند. در تورات نیز اشاره شده است که خورشید و ماه پس از طوفان نوح بوجود آمد. بعلاوه روایاتیکه در آنها سخن از ظاهر شدن رنگین کمان پس از طوفان بمیان آمده است، تا حدودی فرضیه «ریم» را تأیید میکنند، ولی باین فرضیه چندین ایراد وارد است: اولاً اگر طوفان عظیمی نظیر آنچه «ریم» تشریح نموده رخ داده باشد، میبایستی آثاری از فرسایش زمین در ارتفاعات کوهها از خود باقی گذاشته باشد و حال آنکه چنین آثاری تاکنون مشاهده نگردیده است. ثانیاً فرضیه «ریم» مبنی بر اینکه سراسر زمین از يك حرارت ثابت و یکنواخت برخوردار بوده است، لاقلاً در مورد دوران سوم زمین شناسی صدق نمی کند، زیرا در همان دوران در بعضی از مناطق زمین، کویرها و صحرای بی آب و علف وجود داشته است. ثانیاً وجود عصر یخ ده از اعصار زمین شناسی بشمار میرود و واقعیت آن به اثبات رسیده با فرضیه ریم مغایرت دارد. بنابراین تصور اینکه زمین قبل از طوفان نوح از يك هوای معتدل و یکنواخت نظیر هوای يك گلخانه برخوردار بوده، دشوار است. البته بعید نیست که در گذشته زمین مانند زعره فعلی بوسیله يك قشر متراکم ابر احاطه گردیده باشد و با پاره شدن این قشر دستخوش دگرگونیهای عظیم شده باشد ولی تصور اینکه این حادثه در يك دوران زمین شناسی نسبتاً اخیر یعنی در چندین ده هزار سال پیش، موقعیکه بشر از يك تمدن نسبی برخوردار بوده است، رخ داده باشد، با تمام فرضیات علمی و واقعیات تاریخی مغایرت دارد.

اگر در نتیجه بروز طوفان عظیمی سرتاسر زمین زیر آب فرو رفته بود، میبایستی آثاری چشمگیر از فرسایش زمین در ارتفاعات کوهستانها بجای میماند هم چنانکه از عصر یخ باقی مانده است و چون چنین آثاری را کشف نکرده اند پس باید نتیجه گرفت که طوفان عالمگیری رخ نداده بوده است و تمام روایاتیکه در بین ملل مختلف درباره وقوع طوفانی

عظیم شیوع دارد به وقایع محدود محلی مربوط بوده است. این موضوع بخصوص در مورد روایت تورات درباره طوفان کاملاً صدق میکند زیرا تحقیقات و حفاریاتی که تا کنون انجام گردیده است، نشانه‌های روشنی از بروز يك طوفان وحشتناك بدست میدهد که به بین النهرین آسیب وارد آورده محتملاً خاطر این طوفان در اذهان باقی مانده و بعداً در تورات منعکس شده بوده است.

مانده دارد

- ۱- Richard Hennig ۲- Lyell ۳- Suess ۴- Andree
 ۵- Azteqwes قومی که در مکزیك قبل از ورود اسپانیولی‌ها زندگی میکردند و از تمدن پیشرفته‌ای برخوردار بودند.
 ۶- Kung kung ۷- Schwarz
 ۸- Yu ۹- Hoang Ho ۱۰- Steivtzel ۱۱- Eusebe
 ۱۲- Trem Hellade ایالت مرکزی یونان باستان

کمند گیسو

پروری گشت و سپهد شنود
 کمندی گشاد او، ز سرو بلند
 فرو هشت گیسو، از آن کنگره
 پس از باره، رودابه، آواز داد؛
 کنون، زود، بر تاز و برکش میان
 بگير این سر گیسو، از یکسویم
 از آن پروریدم من این تار را

فردوسی طوسی - قرن چهارم